

رویا انگاری وحی؛ لوازم و پیامدها

محمد نجاتی^۱

چکیده

نظریه رویا انگاری وحی، یکی از عمده ترین شبهاتی است که پیرامون مساله وحی مطرح شده است. در مقاله حاضر با تجزیه و تحلیل این نظریه به مسائل محتمل آن، ابتدا ماهیت نظریه مذکور به جهت مبانی و لوازم آن، تبیین و در ادامه مورد سنجش قرار گرفته است. مبنای اصلی تاکید بر نقش روایتگری پیامبر ﷺ و نفی مخاطب بودن ایشان در نزول وحی است. مدعی این نظریه با تاکید بر بشری بودن منشاء قرآن، زبان آن را از جنس رویا و مکاشفه می داند. وی در نهایت با اذعان به تکلف تفاسیر موجود به ضرورت گذار از تفسیر به تعبیر قرآن معتقد می شود. در قسمت دوم مقاله، نظریه رویا انگاری به جهت لوازم و پیامدهای ناسازگار و متناقض آن مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این لوازم که به ساحت قدسی پیامبر بازگشت می کند؛ جواز اتهام کذب و جهل ایشان در حین روایت رویاهای قدسی خویش است. لازمه دیگر نیز تردید در ادعای نبوت و رسالت حضرت ختمی مرتبت و

نهایتا غفلت از وحدت سامع و قائل و اتهام توهّم دوگانگی پیامبر عظیم الشان است. بخش دیگری از این لوازم متناقض نیز به کلام الهی بازگشت می‌کند. نظریه رویا انگاری نه تنها جامعیت دستوری و محتوایی قرآن را انکار می‌کند؛ بلکه مستلزم سخافت حداکثری آن نیز خواهد بود. همچنین به جهت اینکه قرآن تجربه عرفانی پیامبر لحاظ شده؛ محتمل است روایت پیامبر از رویای خویش مشوب به ابهام و تناقض از نوع شطح باشد که مسلما تهافتی آشکار خواهد بود.

- واژگان کلیدی: رویا انگاری، تفسیر، تعبیر، وحی، پیامبر.

مقدمه

یکی از مهمترین ملزومات مساله نبوت، وحی و حقیقت آن است. پیرامون این مساله، شبهات عمده ای مطرح شده است. به جهت ماهیت خاص مساله وحی، غالب این انتقادات به حوزه معرفت شناختی آن معطوف شده اند. نظریه رویا انگاری وحی نبوی سروش را می‌توان از سنخ این گونه انتقادات محسوب نمود. دکتر سروش ذیل دو مقاله خویش (محمد ص، راوی رویاهای رسولانه) مفهوم وحی نبوی را به گونه ای از وحدت و تجربه عرفانی پیامبر ﷺ تحت عنوان رویا تقلیل می‌دهد. سروش براساس این فروگاهی، قرآن کریم را خوابنامه ای می‌داند که با وجود اتصاف آن به صدق، ماهیتی از جنس خواب های بشری دارد. رویکرد دکتر سروش در این موضع کاملا متفاوت از دو اصل تاریخی بودن فهم دینی و تاریخی بودن حقایق دینی است. وی در این موضع فهم صحیح قرآن را مستلزم گذار از تفسیر به تعبیر دانسته و مدعی است که آنچه پیامبر گزارش کرده است نه از سنخ مجاز است و نه نماد؛ بلکه خوابی است که نیازمند خوابگزار بوده تا به علم تعبیر، رموز و حقایق آن را مکشوف سازد. واکاوی موضع رویا انگاری سروش مستلزم تبیین ادعای ایشان از یک سو و همچنین

بررسی لوازم و پیامدهای خواسته و ناخواسته این نظریه است. بر این اساس در مقاله حاضر ابتدا نظریه فوق به جهت گزاره‌های مشتمل و پیامدهای سازگار و یا ناسازگار با اصل ادعای آقای سروش تبیین شده و در نهایت اتقان و استحکام نظریه رویا انگاری وحی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

رویا انگاری وحی

دکتر سروش را می‌توان یکی از بزرگترین منتقدان حوزه کلام و فلسفه اسلامی و خاصه بومی سازی الهیات پروتستانی در عصر حاضر دانست. نگرش انتقادی وی در حوزه دین را می‌توان از دو جنبه ایجابی و سلبی مورد واکاوی قرار داد. از جنبه ایجابی به جهت اینکه عمده شبهات ایشان درون دینی و محتوایی هستند؛ کارکرد سازنده ای دارند^۱. به جهت شاخصه مذکور شبهات دکتر سروش در عین اینکه در تنقیح و رخنه پوشانی مواضع مهجور حوزه دین کاربرد دارند؛ همچنین با شرح و بسط زوایای مبهم و مشارکت علمی معرفت‌زا بوده و ابواب جدیدی را پیش روی اندیشمندان می‌گشاید. با این وجود از جنبه سلبی، انتقادات وی از گونه ای سیاست بازی و اخلاق‌گریزی رنج می‌برد. این مساله از آن جهت است که مباحث بنیادین و پیچیده حوزه دین را می‌بایست در محافل علمی و تخصصی مطرح نمود. از جهت دیگر نحوه طرح این شبهات به گونه ای است که به نظر می‌رسد نگارنده کمتر دغدغه علمی داشته و اهتمام حداکثری وی در این باب برخاسته از دغدغه‌های سیاسی بوده و بیشتر معطوف به تبیین پیامدهای سیاسی است^۲.

در جهت سنجش و بررسی نظریه رویا انگاری کلام الهی می‌بایست ابتدا مبانی و لوازم این نظریه تبیین گردد. مدعای دکتر سروش در دو مقاله «محمد ﷺ: راوی رویاهای رسولانه» را می‌توان در تقریر ذیل ارائه نمود:

اولین گزاره که می توان آن را مبنای اصلی نظریه رویا انگاری کلام حق محسوب کرد؛ تاکید بر نقش روایتگری پیامبر ﷺ و نفی مخاطب بودن ایشان در نزول نص خالده قرآن مجید است.^۲ دکتر سروش در تکمله این مبنا مفهوم رویا را مطرح می کند. از نظر وی انتخاب واژه رویا در نسبت به واژگانی همچون مکاشفه و واقعه و خیال منفصل و متصل و اقلیم هشتم و جابلقا و جابلسا و ارض ترجیح دارد زیرا از ابهامات هولناک این واژگان مبری است و همچنین به جهت شاخصه عمومیت، برای بشر دست یافتنی تر است.^۴ نگارنده مقاله بر اساس این مبانی، به طرح لوازم و پیامدهای نظریه خویش می پردازد. اولین لازمه در کلام وحی، تاکید بر بشری بودن قرآن مجید و انکار وجه نزولی آن است. از نظر سروش زبان قرآن، انسانی و بشری است و محصول بی واسطه تجربه پیامبری است که مانند هر مخلوقی در برهه ای از تاریخ محصور بوده و در صراط تکامل و اشتداد قرار دارد.^۵ ایشان گامی فراتر گذاشته و کلام الهی و نص خالده قرآن را در مقام تکون متاثر از احوال شخصی و صور ذهنی و حوادث محیطی و وضع جغرافیایی و زیست - قبائلی پیامبر می داند.^۶

لازمه دیگر بر اساس مدعای نگارنده مقاله رویا انگاری، زبان رویا و خوابگزارانه قرآن است. دکتر سروش مدعی است صرف نظر از مباحث وجودی و معرفتی رؤیا و خواب، رویکردی پدیدارشناسانه به مقوله وحی دارد و معتقد است به جهت اینکه زبان قرآن، زبان خواب و رویاست، معادل زبان بیداری دانستن آن و سعی در تفسیر و یا هرگونه تاویل به مجاز و کنایه و نماد در آن خطا و مغالطه ای بس عظیم است.^۷ از نظر وی به جهت غفلت از این مساله، عموم تفاسیر مفسران قرآن و تاویل موجود آلوده به مغالطه خوابگزارانه بوده و به همین دلیل تکلف زیادی در آنها مشاهده می شود.^۸

آخرین لازمه در کلام دکتر سروش که خود وی تاکید زیادی بر آن دارد، گذار از تفسیر و تاویل قرآن به تعبیر آن است. خود وی از این گذار با عنوان یک شیفت

پارادایمی و تغییر الگوی بنیادی یاد می‌کند. شیوه نگارش مقالات نشان می‌دهد گذار از تفسیر به تعبیر مهمترین دغدغه نگارنده محسوب می‌شده است و ایشان در جای جای کلام خود به این مساله به عنوان غایت اصلی نوشتار خویش اهتمام ورزیده است.^۹

بررسی و سنجش نظریه رویا انگاری وحی

بر اساس مبانی پیش گفته می‌توان نظریه رویا انگاری وحی را به اجزاء ذیل تفکیک و مورد بررسی قرار داد:

۱. بررسی ماهیت نظریه رویا انگاری وحی به جهت مبانی و لوازم مد نظر دکتر سروش.

۲. بررسی لوازم و پیامدهای محتمل سازگار یا ناسازگار این نظریه که سهوا یا عمدا مورد توجه مولف قرار نگرفته است.

۳. بررسی شواهد و ادله ای که آقای سروش در جهت نفی وجه خطایی آیات قرآن، ناکارآمدی و تکلف تفاسیر موجود و همچنین ضرورت گذار از تفسیر ارائه کرده است.

۴. بررسی شواهد و ادله ای که وی در تبیین صحت گذار از تفسیر به تعبیر و جایگزینی راهکار رویا انگاری وحی ارائه کرده است.

۵. بررسی امکان به کار بردن راهکار تعبیر و رویا انگاری و همچنین کارآمدی آن در جهت رفع تکلف موجود در تفاسیر که مدعای مولف محترم است.

به جهت گسترده‌گی مباحث و مسائل مطروحه در این مقاله به بررسی دو مورد اول، یعنی واکاوی ماهیت و مبانی نظریه رویا انگاری و همچنین بررسی لوازم و پیامدهای محتمل سازگار یا ناسازگار این نظریه پرداخته شده و موارد دیگر نیز در مقالات

متعاقب مورد بررسی تفصیلی قرار خواهد گرفت. بر این اساس پس از تبیین ماهیت نظریه رویا انگاری وحی و مبانی و لوازم مدنظر دکتر سروش، در این بخش از مقاله لوازم و پیامدهایی مترتب بر این نظریه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. لوازم و پیامدها

نظریه رویا انگاری کلام حق مضاف بر لوازم و پیامدهای چندگانه مد نظر دکتر سروش که تفصیل آن تقدیم شد؛ دارای یکسری لوازم و پیامدهایی می‌گردد که سهوا و یا تعمداً مورد توجه مولف محترم قرار نگرفته و اهمال نسبت به آنها می‌تواند تبعات ناگواری برای این حوزه داشته باشد.

۱. اولین لازمه‌ای که در این قسمت مورد سنجش و بررسی قرار می‌گیرد به کلام مولف نظریه رویا انگاری بازگشت می‌کند. یکی از مبانی مهم دکتر سروش در نظریه مذکور که در مقالات خود به آن تاکید دارد؛ صدق گفتار پیامبر در روایات رویاهای خویش است. در واقع از دیدگاه وی محمد ﷺ روایتگری است راستگو که در بیان تجارب و رویاهایش از خطا و اشتباه مصون است.^{۱۰} اما باید دانست اذعان به روایتگری رویاهای پیامبر ﷺ و اعتقاد به صدق گفتار ایشان در این روایتگری، موضعی ناسازگار بوده و اجتماع آن با توجه به محتوای بسیاری از آیات محال است. این در حالی است که آقای سروش به جهت غلبه دغدغه نفی و گذار از تفسیر، بدون توجه به این استحاله و ناسازگاری به تراضی و اجتماع این دو موضع معتقد شده است.^{۱۱} مویده استحاله اجتماع دو موضع روایتگری رویاها توسط پیامبر و اعتقاد به صدق گفتار ایشان، آیاتی است که فعل «قل و مشتقات آن و کلیه افعال امری که مشتمل بر وجه خطابی به پیامبر، مومنین و حتی کفار هستند» در آن وجود دارد. اینگونه آیات که در غالب سوره‌های قرآن به وفور یافت می‌شوند؛ اگر از سنخ رویا

یا تجربه دینی پیامبر دانسته شوند؛ مستلزم این خواهد بود که «نعوذ بالله» پیامبر فردی دروغگو لحاظ شود و یا با رویکردی معتدل تر ایشان را به جهل نسبت به آنچه می فرموده اند؛ متهم سازیم^{۱۲}. بر این اساس می بایست یا به بطلان نظریه رویا انگاری وحی نبوی معتقد شد و یا لازمه دهشتناک آن را پذیرفت.

۲. لازمه دیگر نظریه رویا انگاری وحی نبوی، فارغ از ادعای نگرش پدیدارشناسانه دکتر سروش، به خود مساله نبوت بازگشت می کند. آقای سروش در مقالات دوگانه مدعی است که اساس نظریه اش در پدیدارشناسی وحی و زبان آن بوده و قبول یا رد نبوت و وحی مدنظرش نیست^{۱۳}. اما باید دانست بر خلاف ادعای ایشان، تردید در نبوت و رسالت پیامبر خاتم یکی از لوازم اساسی این نظریه است. بدین بیان که بر فرض اغماض از وجه موکد خطابی آیات قرآن، نظریه رویا انگاری با تاکید بر منشاء انسانی کلام حق و دین مبین اسلام، اعجاز قرآن را مطلقا انکار می نماید (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ص ۲۶۳)^{۱۴}. این در حالی است که اعجاز قرآن اصلی ترین شاهد صدق ادعای نبوت پیامبر عظیم الشان اسلام است و نفی اعجاز آن می تواند صحت ادعای نبوت و اساس دین مبین اسلام را دچار چالشی جدی نماید^{۱۵}.

۳. لازمه دیگر نظریه رویا انگاری ذیل مدعای توهم دوگانگی مولف محترم مطرح می شود. دکتر سروش در جهت تبیین نظریه خویش و رفع ناسازگاری احتمالی آن با وجه خطابی غالب آیات قرآن، معتقد می گردد که صحبت کردن با خویشتن، خود را دیگری پنداشتن و یا احساس شنوندگی و مخاطب بودن، ناشی از شگفتیهای عالم رویا بوده و در این گونه موارد فرد به اشتباه چنین می پندارد که به او گفته شده بگو یا بشنو یا برو، در حالی که در تمام این حالات شنونده و گوینده شخص واحدی است و تصور دوگانگی و مخاطب بودن، امری موهوم است^{۱۶}. توضیح اینکه بر اساس موضع رویا انگاری کلام حق، می بایست به وحدت سامع و قائل معتقد شد؛ این در حالی

است که وجه خطابی آیات با نفی وحدت انگاری، بر اثبیت سامع و قائل و مخاطب بودن حضرت در فرایند وحی تاکید می کند. دکتر سروش سعی دارد با رویکردی مشابه وجه خطابی آیات قرآن و تفکیک بین سامع و قائل را بر اساس موضع موهوم انگاری دوگانگی تبیین نماید. وی در جهت اثبات مطلب خویش شواهدی را از مولوی و ابن عربی تذکر می دهد.^{۱۷} در بررسی راهکار ارائه شده توسط آقای سروش باید گفت وی به جهت رفع ناسازگاری میان دو موضع رویا انگاری وحی و اثبیت سامع و قائل، نظریه توهم دوگانگی را مطرح نمود؛ اما به نظر می رسد این راهکار نه تنها ناسازگاری مذکور را رفع نمی کند؛ بلکه خود تبعات و لوازم صعبتی را پیش روی مولف محترم قرار می دهد. توضیح اینکه در سنت تفکر اسلامی مولوی، ابن عربی و دکتر سروش با اندکی مخالف جزو نخبگان و اندیشمندان طراز اول محسوب می شوند. اما بدون هیچ شکی ادعای همطرازی یا حتی علو وجودی این بزرگان در مقایسه با ذات شریف و قدسی پیامبر عظیم الشان اسلام غیر معقول بوده و هیچ عقل سلیمی آن را نمی پذیرد. این مطلب بدان جهت است که نظریه توهم دوگانگی آقای سروش مستلزم چنین ادعای سخیفی است. بدین بیان که پیامبر ﷺ به عنوان اشرف و اکمل مخلوقات خداوند در هنگام روایت رویای قدسی خویش، متوجه وحدت قائل و سامع نبوده و توهم دوگانگی، مخاطب بودن و ظرفیت داشته و این خلط جماعتی را به تکلف تفسیر و تاویل بیهوده کشانده است. مولف محترم پس از اتهام توهم و خلط دوگانگی به جای وحدت سامع و قائل، گامی فراتر نهاده و استبصار بزرگانی همچون مولوی و ابن عربی به این توهم را به عنوان شاهد صحت مدعای خویش ذکر می کند.^{۱۸} بدیهی است اعتقاد به استبصار این بزرگان به توهم دوگانگی و غفلت پیامبر از این مساله در روایت رویاهای خود، مبنایی است که هیچ عقل سلیمی به آن اعتراف نمی کند.

۴. گفته شد نظریه رویا انگاری مستلزم اتصاف ساحت شریف پیامبر به کذب، جهل و توهم وحی و حتی انکار نبوت ایشان است. لازمه دیگر این نظریه به کلام وحی بازگشت می کند. بدون شک قرآن منشاء و مبنای اساسی تمامی مکاتب و مذاهب اسلامی و مایه وحدت تمام مسلمین جهان است. این مساله به جهت منشاء الهی و غیر انسانی نزول آن و همچنین جامع و کامل بودن محتوای آن در همه ابعاد است. اذعان به مبنای رویا انگاری کلام وحی نه تنها موجب انکار جنبه وحیانی و الهی نص خالده قرآن مجید می شود؛ بلکه جامعیت و کمال محتوایی آن را نیز به چالش کشیده و مستلزم سخافت حداکثری کلام الهی خواهد شد.^{۱۹} این مطلب از آن جهت است که بسیاری از تالیفات بشری به جهت جامعیت و احاطه علمی و اخلاقی مولف آن، از سخافت و تهافت به دور بوده و در اوج غنای علمی و محتوایی قرار دارند. اما بر اساس مبنای رویا انگاری کلام وحی حتی نمی توان قرآن را چنین نگاشته ای دانست؛ زیرا بر این اساس آورنده آن فردی خواهد بود که در مقام روایت تجربه رویاگونه خود، به جهت تاثیر از احوال شخصی و صور ذهنی و حوادث محیطی و وضع جغرافیایی و زیست - قبائلی خویش، عمدتاً دچار غفلت از وحدت و استقلال فردی و توهم دوگانگی می شود. همچنین به جهت غلبه جهل بر راوی رویا، احتمالاً مدعیات و گزاره های آن به کذب متصف می شوند. بر این اساس یا می بایست با اذعان به نظریه رویا انگاری، منشاء الهی و جامعیت و کمال ذوابعاد آن را نفی نمود و آراء همه محققان مسلمان و غیر مسلمان در تبیین شرافت کلام الهی را غیر صائب و بر سبیل خطا دانست و یا اینکه با نفی نظریه رویا انگاری وحی از لوازم غیر عقلانی آن گریخت.^{۲۰}

۵. آخرین لازمه ای که در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد؛ به نحوه روایت و زبان قرآن بازگشت می کند. توضیح اینکه نظریه رویا انگاری با وجود سبک ادبی -

عرفانی که دارد و با تمام اصطلاحات فنی که بر غنای ادبی آن افزوده است؛ مهمترین شاخصه نبوت پیامبر (نقش قابلی و ظرف گونه ایشان در دریافت و انتقال وحی) را نفی می نماید. وی بر اساس این نظریه پیامبر را در حد یک عارف تقلیل می دهد که محصول روایت تجربه عرفانی وی و آنچه در رویا مشاهده نموده؛ همان کتاب قرآن است. اما باید دانست تقلیل قرآن به گزارش و روایت تجربه عرفانی پیامبر مستلزم شباهت زبان روایت آن با دیگر تالیفات عرفانی خواهد بود که بداهتا این مساله با مبانی نظریه دکتر سروش ناسازگار خواهد بود. در تبیین ناسازگاری مذکور باید گفت: بررسی تاریخی نشان می دهد غالب عرفای بزرگ، فارغ از صحت و سقم مدعایشان، در روایت تجربه عرفانی خویش^{۲۱} دچار تناقض گویی و ابهام در کلام یا به اصطلاح شطح گویی^{۲۲} می شده اند. استیسی معتقد است: شطح بروز تناقض^{۲۳} در روایت کیفیت تجربه قدسی و عرفانی است که به جهت ناهمسانی وجود شناختی نفس عارف و مابازاء تجربه قدسی (عوالم غیب و ملکوت) اتفاق می افتد (استیسی، ۱۳۸۴: ص ۲۷۳). در مقام بررسی قرآن و امکان بروز شطح در بیان کیفیت تجربه قدسی توسط پیامبر باید گفت: رسول الله در روایت تجربه و رویای قدسی خویش یا اینچنین است که قرین ناهمسانی وجود شناختی بوده و در نتیجه در روایت وی تناقض و ابهام از نوع شطح بروز یافته است و یا اینکه به جهت تعالی و شرافت وجودی پیامبر، رویای وی از ناهمسانی مذکور مبری بوده و در نتیجه روایت وی متعالی از ابهام و تناقض از نوع شطح و در نهایت وضوح و روشنی بیان شده است^{۲۴}. در بررسی سازگاری یا ناسازگاری لازمه مذکور با مبانی نظریه رویا انگاری دکتر سروش باید گفت: هر دو فرض مذکور با مبانی آقای سروش ناسازگار است. توضیح اینکه فرض مبتنی بر نفی ناهمسانی وجودی و شرافت پیامبر و به تبع آن روایت واضح و متمایز، با مبنای ضرورت گذار از تفسیر به تاویل و اساسا هرگونه تغییر الگوی بنیادی در نگرش به

قرآن ناسازگار است. زیرا چنین فرضی به جهت شاخصه وضوح و تمایز نیاز به تعبیر، تاویل و یا هرگونه نگرش تخصصی دیگر به قرآن را منتفی می نماید. و در حقیقت نص قرآن به جهت روایت روشن آن با اندکی آگاهی و بدون هرگونه تکلف برای همگان قابل فهم خواهد بود.

در بررسی فرض دوم^{۲۵} باید گفت: فرض بروز ابهام، تناقض و احتمالاً شطح گویی در روایت پیامبر نیز با مبانی نظریه رویا انگاری ناسازگار است. توضیح اینکه نص خالده قرآن مجید از چنین اتهام بزرگی مبری است. اما پذیرش چنین فرضی صعوبتی دو چندان دارد. زیرا شطحیات بر خلاف تفاسیر مدعیان به جهت اشتغال بر دعوی ارتفاع حجاب و رویت ذات خداوند و همچنین اتحاد و حلول با ذات اقدس الهی، مقوله ای متناقض بوده و آفت دین است^{۲۶} و در نتیجه اتصاف قرآن تحت هر عنوانی به این شاخصه تهافتی آشکار محسوب می شود.

نتیجه گیری

در مقاله حاضر نظریه رویا انگاری وحی به عنوان یکی از عمده ترین شبهاتی که اخیراً توسط دکتر سروش مطرح شده؛ مورد بررسی قرار گرفته است. مبنای اصلی دکتر سروش در نظریه مذکور را می توان در تاکید وی بر نقش روایتگری پیامبر در فرایند وحی و نفی جنبه خطابی آیات قرآن رصد نمود. ایشان بر این اساس منشاء قرآن را بشری و زبان آن را از جنس رویا و مکاشفه می داند. محصول این معجون نیز تاکید بر تکلف تفاسیر موجود و ضرورت گذار از تفسیر به تعبیر قرآن است که در حقیقت اهتمام مولف بیشتر معطوف به این مساله شده است. بررسی و سنجش نظریه مذکور نمایانگر پیامدها و لوازم متناقض و ناسازگاری است که سهوا یا تعمداً در کلام مولف به آنها اشاره نشده است. رویکرد مبتنی بر رویا انگاری ساحت قدسی پیامبر را

در معرض اتهام کذب و جهل قرار می دهد. این نظریه همچنین مستلزم تردید جدی در صحت ادعای نبوت رسول الله خواهد بود. علاوه بر دو محذور فوق، صحت مبنای رویا انگاری در مورد وحی نبوی موید غفلت پیامبر از وحدت سامع و قائل و توهم دوگانگی و اثنبیت ایشان در حین روایت تجربه قدسی است. در بحث کلام الهی، نظریه رویا انگاری جامعیت و کمال دستوری و محتوایی قرآن را انکار و مستلزم سخافت حداکثری آن خواهد بود. در نهایت به جهت اینکه از دیدگاه دکتر سروش قرآن تجربه عرفانی پیامبر است؛ هیچ ملاکی برای تمایز آن از سایر تجربه های عرفانی ارائه نشده است و در نتیجه محتمل است روایت پیامبر از رویای خویش مشوب به ابهام و تناقض از نوع شطح باشد که بدهاها تهافتی آشکار خواهد بود.

یادداشت‌ها

۱. با نگاهی کلی در عمده شبهات مطرح شده از جانب ایشان در می یابیم هر موضعی که در بین اندیشمندان مسلمان یا مهجور مانده است و یا اینکه کمتر در مورد آن مذاقه ای صورت گرفته است؛ مورد اهتمام و توجه دکتر سروش بوده است. از جمله این مواضع می توان به حوزه معرفت شناسی نبوت و مساله وحی اشاره نمود. برای اطلاع بیشتر رک: سروش، ۱۳۷۸؛ همو، ۱۳۷۴.
۲. نوع نگارش دو مقاله اخیر و مدعای رویا انگاری وحی نبوی، نشان می دهد عمده دغدغه نگارنده معطوف به حوزه سیاست و تعصبات سیاسی، خاصه گذار از تفسیر و انکار آن بوده و سپس در جهت تحصیل این غایت، نظریه رویا انگاری وحی و وضع تعبیر به جای تفسیر مطرح شده است.
۳. کلام سروش در این باب چنین است: «محمد ﷺ راوی است، یعنی مخاطب و مخبر نیست. چنان نیست که مخاطب آوایی قرار گرفته باشد و در گوش باطنش سخنانی را خوانده باشند و فرمان به ابلاغ آن داده باشند، بل محمد ﷺ روایتگر تجارب و ناظر مناظری است که خود دیده است و فرقی است عظیم میان ناظر راوی و مخاطب خبر. به او نگفته اند برو و به مردم بگو خدا یکی است، بل او خدا را به صفت وحدت خود دیده و شهود کرده و روایتش از این مشاهده را با ما به زبان خود باز می گوید و...» برای اطلاع بیشتر رک: سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۱}.
۴. عین بیان نگارنده در این باب چنین است: «سؤال: این نظاره ها و مشاهده ها در کجا رخ داده است؟ پاسخ: در رؤیا،

خواننده می‌تواند به جای واژهٔ رؤیا، از واژه‌هایی مانند مکاشفه و واقعه و مثال و خیال منفصل و متصل و اقلیم هشتم و جابلقا و جابلسا و ارض ملکوت استفاده کند (چنانکه کرده‌اند)، اما نگارنده بدون مخالفت با آن‌ها، واژهٔ رؤیا را به عمد برگزیده است تا اولاً از ابهامات دست‌وپا گیر آن مفاهیم کهن و متافیزیک هولناکشان حذر کند، و ثانیاً حقیقت تجربهٔ پیامبرانهٔ محمد ﷺ را آشکارتر و دست‌یافتنی‌تر نماید. همان.

۵. بیان وی چنین است «مدّعی من در این نوشتار این است که ما در فهم کلام وحیانی از نکته‌ای ساده و مهم غفلت کرده‌ایم. تا کنون بر این معنای درست پای فشرده‌ایم که زبان قرآن، انسانی و بشری است، و قرآن مستقیماً و بی‌واسطه، تألیف و تجربه و جوشش و رویش جان محمد ﷺ و زبان و بیان اوست، محمدی که تاریخی است و در صراط تکامل است و پایه‌های زمان پیامبرتر می‌شود، جانش شکوفاتر و چشمش بیناتر می‌گردد و در صید معانی و معارف تیزپنجه‌تر می‌شود. خدا را بهتر می‌شناسد و وصف می‌کند، درکش از رستاخیز و عوالم برین و پسین، ژرف‌تر می‌شود» همان.

۶. بیان وی در این باب چنین است: «گفته‌ایم که آن دستاوردهای کلان به زبان عربی و عرفی و بشری و در خور فهم آدمیان عرضه شده‌اند و از منبع ضمیر پیامبر برخاسته‌اند، و قدسی بودن تجربه، زبان تجربه را قدسی و الهی نکرده است. حتی در مقام تکوّن هم، احوال شخصی و صور ذهنی و حوادث محیطی و وضع جغرافیایی و زیست - قبائلی پیامبر، صورت‌بخش تجارب او بوده‌اند و بر آن‌ها جامهٔ تاریخ و جغرافیا پوشانده‌اند». برای اطلاع بیشتر رک: سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۱}.

۷. بیان وی در این باب چنین است: «باری، آنچه در این مقال دنبال می‌شود، هستی‌شناسی خیال و مثال و حضرات خمس و معرفت‌شناسی آن‌ها نیست، بل پدیدارشناسی خیال و بیان ویژگی‌های روایات رؤیاهاست. ما هنگام قرائت قرآن، گویی فراموش می‌کنیم که «خواب‌نامه» ای را می‌خوانیم که زیانش، زبان بیداری نیست، بلکه زبان خواب است. خواب همواره و در صریح‌ترین صورتش، باز هم رمزآلود و مه‌آلود است و نیازمند خوابگزاری، و زبان آن را معادل زبان بیداری گرفتن، خطایی مهلک و عظیم است». برای اطلاع بیشتر رک: سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۱}.

۸. دکتر سروش می‌گوید: «می‌توانم ادعا کنم که تفسیر عموم مفسران مسلمان آلوده به مغالطهٔ خوابگزارانه است. یعنی واژه‌های آتش، خورشید، باغ، غضب، رحمت، آب، تخت، حور، ترازو، کتاب، و... را که در قرآن دیده‌اند، گمان برده‌اند که مراد همین آب و باد و آتش و کتاب و ترازوست که در بیداری می‌بینیم و می‌شناسیم، و غافل بوده‌اند از این‌که روایتگری تیز چشم، آن‌ها را در رؤیا و خیال دیده و شنیده است، آنهم با زبانی رمزی که بیگانه با زبان بیداریست». همان.

۹. آقای سروش به تفسیر علامه طباطبائی از آیه ۱۰ الصافات چنین انتقاد می‌کند: «صاحب المیزان اگر بدین نکته متفطن بود که رمی شیاطین، رؤیایی است که پیامبر دیده است، آن‌گاه دست از آن تأویل متکلفانه می‌کشید و به خوابگزاری و آنتروپولوژی می‌پرداخت و به دنبال کشف این معنا می‌رفت که اگر کسی (در تاریخ و جغرافیای حجاز و در دل فرهنگ آن دوران) در خواب ببیند که شهابی در تعقیب دیوی است، تعبیرش چیست؟ نه اینکه هم شهاب را و هم شیطان را به زبان بیداری بخواند و بفهمد و آن‌گاه در مخصّصهٔ تفسیریِ رهایی‌ناپذیری درافتد. تکلفات این مفسّر معاصر را در باب شکافتن ماه، به منزلهٔ اعجاز پیامبر، باید هم ازین جنس دانست. او همچون همه پیشگامان خویش،

یک مفسر بود نه یک معبر! و جان کلام همین است. رفتن از تفسیر به تعبیر، مستلزم یک شیفت پارادایمی و یک تغییر الگوی بنیادی است. سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۱}. و یا «غفلت از زبان رؤیا و مغالطه خوابگزارانه، جمعی را بر آن داشته است تا روح الامین را، تعبیر نکرده، واسطه‌ای بیندارند که قرآن را به قلب محمد می‌رساند. دیگری مندرج است و آن این که نظم قرآنی پریشان است. اینک سؤال بدین برمی‌گردد که چرا نظم قرآنی پریشان است، و چرا ابتدای سوره با میان و انتهای آن پیوند ندارد. مفسران در گشودن این راز تعبیرانگیز، بخت‌آزمایی بسیار کرده‌اند. پاره‌ای از آنان کوشیده‌اند تا به تکلف، پیوندهای نهانی میان آیات گسسته بیابند. جلال‌الدین سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن شرح نیکویی ازین کوشش‌ها به دست می‌دهد. پاره‌ای دیگر چون شیخ مفید، متکلم بزرگ شیعی قرن چهارم، این گسستگی و پریشانی انکارناپذیر را کار مخالفان دانسته‌اند و اکثریت مفسران، قرآن را چنان که هست، پذیرفته‌اند و حتی روایتی از پیامبر (صلوات الله علیه) آورده‌اند که جای آیات را در سوره‌ها او خود معین کرد و بر این پریشانی مهر تأیید نهاد». سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۲}.

۱۰. عین بیان وی در این باب چنین است: «آوردم که محمد ﷺ روایتگری است که راستگویانه رویاهای رسولانه و رمزآلود خود را به زبان عرف و به عربی مبین، بی‌مجاز و بی‌کنایه، برای ما باز می‌گوید و قرآن که «خوابنامه» اوست، نیازمند خوابگزاران است تا حقایقی را که به زبان ویژه رؤیا بر او پدیدار شده‌اند، به زبان شهادت برای ما بازگویند و زبان خواب را به زبان بیداری برگردانند و تعبیر را به جای تفسیر و تأویل متن بنشانند و بی‌میانگی زبان، خود را به جهان پرغموض و پررموز رؤیا نزدیک کنند، و چشم ما را به عکس مهرویان بستان خدا بکشایند». سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۲} ابتدای مقاله.

۱۱. به نظر می‌رسد مولف محترم تاحدودی به این ناسازگاری وقوف داشته است و تکلف فراوانی در جهت رفع آن کشیده است که ناکارآمدی آن در ادامه مشخص خواهد شد. بیان وی در این باب چنین است «در خواب هم به خفته می‌گویند «بگو» و «بشنو» و «برو» و... و مگر این خطاب‌ها زبان خواب را به زبان بیداری بدل می‌کنند و سامع و قائل را دوتا می‌سازند؟ از پیش خود به پیش خود شدن، و با خود سخن گفتن، و خود را دیگری پنداشتن، و سخن خود را از دهان دیگری شنیدن، و... از شگفتی‌های عالم رؤیا است، همان شگفتی‌های فریبده که توهم دوگانگی را دامن می‌زند و میان شنونده و گوینده فاصله می‌افکند» سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۲}.

۱۲. لازم به ذکر است ذکر کلمه «قل» در آیات قرآن کریم، برای حفظ اصالت قرآن و نقل عین کلماتی است که بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وحی شده است؛ به عبارت دیگر، نشان می‌دهد که حضرت هیچ گونه تغییری در الفاظی که برایشان وحی شده نمی‌دادند و حتی کلمه «قل» را که خطاب پروردگار متعال به او است، عیناً ذکر می‌کردند و به همین دلیل نیز کلمه «قل» جزء آیه محسوب می‌شود. همچنین خطابات قرآن کریم، هر چند در ظاهر، متوجه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است، ولی مفهوم عامی دارد که شامل همه مسلمانان می‌شود (جز موارد معدودی که دلیل بر اختصاص آن به حضرت وجود دارد). برای اطلاع بیشتر در این باره رک: مکارم شیرازی، بی تا، ج ۶ و ۲۷.

۱۳. بیان وی در این باب چنین است: «باری، سخن نه در قبول نبوت است و نه در حقیقت وحی، که مومنان داوری خود را در باب آن‌ها کرده‌اند و بدان‌ها اعتقاد ورزیده‌اند؛ بل سخن در پدیدار وحی و زبان رؤیایی و فضای رمزآلود و مه‌آلود آن است که میراث ماندگار پیامبر است و گشودن قفلش را به کوشش ما و نهاده‌اند» سروش، مقاله محمد ﷺ

راوی رویاهای رسولانه {۲}.

۱۴. برای اطلاع بیشتر در باب وجوه اعجاز قرآن رک: مصباح یزدی، ۱۳۷۹.

۱۵. موید این مطلب آیات سه گانه تحدی در قرآن است که خداوند منکران و مخالفان را تحدی به کل قرآن (آیات ۳۳ - ۳۴) طور و آیات ۴۹ - ۵۰ (قصص)، آیات تحدی به ده سوره (آیات ۱۳ - ۱۴ هود) و آیات تحدیه یک سوره (آیه ۳۸ یونس و آیات ۲۳ و ۲۴ بقره) دعوت نموده است.

۱۶. بیان ایشان در این باب چنین است: «در خواب هم به خفته می‌گویند «بگو» و «بشنو» و «برو» و... و مگر این خطاب‌ها زبان خواب را به زبان بیداری بدل می‌کنند و سامع و قائل را دوتا می‌سازند». سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۲}.

۱۷. عین سخن وی چنین است «از جلال‌الدین بلخی بشنویم:

همچو آن وقتی که خواب اندر روی	تو ز پیش خود به پیش خود شوی
بشنوی از خویش و پنداری فلان	با تو اندر خواب گفتست آن نهران
تو یکی تو نیستی‌ای خوش رفیق	بلکه گردونی و دریای عمیق

از پیش خود به پیش خود شدن، و با خود سخن گفتن، و خود را دیگری پنداشتن، و سخن خود را از دهان دیگری شنیدن، و... از شگفتی‌های عالم رؤیا است، همان شگفتی‌های فریبنده که توهم دوگانگی را دامن می‌زند و میان شنونده و گوینده فاصله می‌افکند و خلقی را گرفتار خطا می‌کند. محی‌الدین عربی هم که گفت: فمن شجرة نفسه جنی ثمرة علمه (کاشف، میوه علم را از درخت وجود خویش می‌چیند)، به همین لطیفه نظر داشت و بر رؤیایی بودن عالم کشف و درون‌زا بودن آن صحه می‌گذاشت» سروش، مقاله محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه {۲}.

۱۸. این در حالی است که این بزرگان خاصه مولوی و ملاصدرا، مبنایی متفاوت در قبال مساله وحی دارند.

۱۹. به نظر می‌رسد لازمه اول یعنی اذعان به منشاء انسانی قرآن، عین مدعای دکتر سروش است ولی ظاهراً لازمه دوم که سخافت محتوایی باشد، با مبنای ایشان ناسازگاری دارد. زیرا وی در جای جای مقاله خویش به صدق و غنای قرآن اذعان نموده است.

۲۰. لازم به ذکر است که لوازم دهشتناک این نظریه به ساحت پیامبر اسلام و قرآن محدود نمی‌شود؛ بلکه ابتدا کتب آسمانی پیامبران و در ادامه کتب انبیاء صاحب عزم و شریعت مستقل را نیز به چالش جدی می‌کشانند. زیرا بر اساس مبنای خطایی بودن نبوت و وحی برخی انبیاء موظف به ثبت و ضبط کلام الهی بوده‌اند و برخی دیگر به جهت ظرفیت بالاتری که داشته‌اند؛ آیین و شریعت مستقلی را ارائه کرده‌اند. این در حالی است که بر اساس مبنای رویا انگاری نبوت، ملاک و مناط شایسته‌ای در جهت تفکیک مذکور نمی‌توان ارائه نمود. برای اطلاع بیشتر رک: طباطبایی، ۱۳۹۳-هـ. ق، ج ۲: صص ۱۴۶-۱۴۵.

۲۱. بنابر ادعای آقای سروش قرآن محصول تجربه قدسی پیامبر فارغ از مسمای رویا، مکاشفه، واقعه و... بوده که با زبان بشری بروز یافته است. با این حال حالات ظاهری پیامبر در هنگام دریافت وحی را نمی‌توان به منزله خواب و تجربه وی را به تبع رویا نامید؛ اما در جهت مماشات، فرض صحت تجربه عرفانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲۲. لغت شطح دراصل سریانی خویش به معنای توسعه دادن و گسترش بخشیدن است. این واژه به تدریج وارد زبان عربی شده و به مناسبت‌هایی معنای آن تفاوت‌هایی را یافته است (داراشکوه، ۱۳۵۲: ص ۱۶).

به لحاظ لغوی شطح عبارت از حرکت و جنبش است و در اصطلاح عرفا به معنای حرکت و بی قراری دل هنگام غلبه وجد و بیان آن حالت به عبارتی که به نظر غیر اهل، غریب و درک آن مشکل، ظاهر آن ناپسندیده و گاه خلاف شریعت است (رجایی بخارایی، ۱۳۷۰: ص ۳۶۷).

تهانوی در باب شطح و کیفیت بروز آن چنین می گوید: شطح عبارت است از کلام فراخ گفتمن بی التفات و مبالات؛ چنانچه بعضی عباد هنگام غلبه حال و سکر و غلبات گفته اند: شطح نه پذیرفتنی است و نه مواخذه کردنی (تهانوی، ۱۹۶۷: ص ۷۳۵).

۲۳. در باب رابطه شطح و تناقض در بیان لازم به تذکر است قاطبه شطحیات مشهور تاریخ عرفان و تصوف واجد این شاخصه هستند؛ اما این بدان معنا نیست که رابطه تساوی یا عموم و خصوص مطلق بین این دو برقرار باشد. به نظر می رسد معقول ترین رابطه در این باب عموم و خصوص من وجه باشد. برای اطلاع بیشتر رک: چناری، ۱۳۷۷: ص ۳۱.

۲۴. البته باید در نظر داشت بر اساس نظریه رویا انگاری، مکاشفه پیامبر کاملاً متعالی از مکاشفه دیگر عرفا بوده و از جنس رویای رسولانه بوده و شاخصه تعالی و تقرب به ساحت قدسی واجب تعالی، احتمال بروز تناقض و توهم اتحاد را افزایش می دهد.

۲۵. با توجه به تصویری که دکتر سروش از شخصیت پیامبر در مقالات خود ارائه می دهد، دیدگاه وی در باب شان و منزلت پیامبر بر خلاف ادعای وی به فرض دوم نزدیکتر است.

۲۶. دکتر سروش ادعا می کند دیدگاه وی در لحاظ قرآن به عنوان رویا و تجربه عرفانی پیامبر به دیدگاه ملاصدرا در تفسیر قرآن نزدیک است. این در حالی است که صدرا در آثارش از جمله کسر اصنام الجاهلیه صراحتاً چنین تجربه ای را به عنوان آفت دین مطرح می کند. وی ضرر این گونه سخنان برای عقاید عوام را زیانمندتر از سموم مهلک و زهرهای کشنده برای ابدان می داند. بیان صدرالمتألهین در این باب چنین است: «و هذا فنّ من الکلام عظم ضرره في العوامّ أعظم من السموم المهلکة للأبدان، حتّی ترک جماعة من أهل الفلاحة فلاحتهم و أظهروا مثل هذه الدعاوی؛ فإنّ هذا الکلام يستلذّه طبائع الأنام، إذ فيه البطالة في الأعمال مع تزکیة النفس بدرك المقامات و الأحوال. فلا يعجز الأغبياء عن دعوی ذلك لأنفسهم و لا عن تلفيق کلمات مخیطة مزخرفة» (ملاصدرا، ۱۳۸۱: ص ۴۶). برای اطلاع بیشتر در باب دیدگاه ملاصدرا در باب ماهیت شطح رک: نجاتی، ۱۳۹۳: صص ۴۹-۶۰.

کتابنامه

۱. استیسیس، وت، ۱۳۸۴، عرفان و فلسفه، ترجمه بهالدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران، سروش، صص ۲۶۵-۲۶۹.
۲. تهانوی، محمد اعلی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون، تهران، انتشارات خیام، ۱۹۶۷.
۳. چناری، امیر، متناقض‌نمایی در شعر فارسی، چاپ اول، تهران، فروزان، ۱۳۷۷.
۴. داراشکوه، محمد، حسنات العارفين، تهران، ویسمن، ۱۳۵۲.
۵. رجایی بخارایی، احمد علی، فرهنگ اشعار حافظ، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۰.
۶. سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، تهران، صراط، ۱۳۷۸.
۷. همو، قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران، صراط، ۱۳۷۴.
۸. همو، مقالات محمد ﷺ راوی رویاهای رسولانه (۱ و ۲).
۹. چناری، امیر، متناقض‌نمایی در شعر فارسی، چاپ اول، تهران، فروزان، ۱۳۷۷.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۳ ق.
۱۱. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۹.
۱۲. ملاصدرا، کسر اصنام الجاهلیه، تصحیح و تحقیق محسن جهانگیری، چاپ اول، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۱.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه (منبع الکترونیکی)، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم‌السلام، ۲۷ جلد.
۱۴. نجاتی، محمد، تبیین شطحیات عرفانی در حوزه معرفت‌شناسی حکمت متعالیه، خردنامه صدرا، شماره ۷۵، بهار ۹۳، صص ۴۹-۶۰.